

رویکرد اجتماعی - فرهنگی و تاریخی در مطالعه کتابشناختی و منابع مرجع

محمد رضا داور پناه^۱

چکیده: منابع مرجع نقشی فراتر از ارائه صرف اطلاعات کتابشناختی و اساسی دارند و در حقیقت بخشی از تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصری هستند که در آن نوشته شده‌اند، بنابراین نمی‌توانند از ملاحظات سیاسی و اجتماعی جدا باشند. مقایسه اطلاعات منابع مرجع در طول زمان، ظهور، تداوم و تکامل اندیشه‌ها، بررسی منابع را به شیوه‌ای انتقادی و عینی میسر می‌کند. با ورود به عصر الکترونیک و جست‌وجوپذیر شدن بسیاری از منابع اصلی و فرعی به صورت پیوسته باید به نقش اجتماعی منابع مرجع بیش از پیش توجه کرد.

کلیدواژه‌ها: منابع مرجع، مطالعه کتابشناختی، نقش اجتماعی و فرهنگی

مقدمه

خلاصه‌ای از دانش و اطلاعات رایج در گذشته و حال مورد مطالعه قرار می‌گیرند. کتاب‌های مرجع در واقع فشرده فعالیت‌ها و کوشش‌های دانشمندان در طول قرن‌ها را در خود نگه می‌دارند و نشانه‌ای از رشد فکر و ترقی اجتماعی هستند. در حقیقت این منابع، تاریخ دوره‌های فرهنگی جوامع را نشان می‌دهد که هر کدام از این دوره‌ها چندین سال و یا چندین سده را در برمی‌گیرد. هر دوره‌ای صبغه خاص خود را دارد، مسائل خاص دوره زمانی خود را بررسی می‌کند و روش خاصی از تفکر را نشان می‌دهد. منابع مرجع در هر دوره زمانی افکار، عقاید و علوم آن دوره را عرضه می‌کند. مثلاً زندگی‌نامه‌نویسی در هر عصر و دوره‌ای تحت تأثیر افکار ادبی و مقتضیات تاریخی آن عهد است. بنابراین

کتابشناسی‌ها و منابع مرجع بازتاب فرهنگی دوره‌ای است که در آن نوشته شده‌اند. مطالعه این منابع می‌تواند بر رویکرد آموزش کتابشناختی مؤثر باشد. منابع مرجع به عنوان بخشی از میراث مکتوب، نمایانگر تنوع زبان‌ها، مردم و فرهنگ‌هاست که تصویری از دنیا و حافظه آن را ارائه می‌دهد. بری^۲ جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی کتابشناختی را از دیدگاهی ویژه تحلیل کرده است. او ساختار متون؛ نقش ویراستاران، مکاتب فکری و سردبیران مجلات را در انتخاب مطالب برای انتشار؛ محتوای شکل‌های متنوع انتشاراتی و جایگاه این عوامل را در ردیابی تحول و تطور یک رشته مورد تعمق قرار می‌دهد و نهایتاً به این باور می‌رسد که "منابع کتابشناختی بسیار ارزشمند هستند و می‌توانند در راستای اهداف مختلف علمی (مستقل از نیازهای کاربران در مراجعه به آنها) بررسی شوند" (۱۱:۱۰).

منابع مرجع به منزله راهنماهای مستقل یا

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

2. Bry

گذشته‌نگر از راهنماها، امکان شناسایی هر چیزی از انتشارات منسوخ گرفته تا مشاغل برچیده شده در گذشته‌های دور را فراهم می‌آورد. مطالعه روند تغییر واژه‌ها در گذر زمان در واژه‌نامه‌های فنی و پزشکی، روشنگر چگونگی تحول در فناوری و پیشرفت در علوم پزشکی است. دانشمندان برای بیان مفاهیم در هر رشته علمی اصطلاحاتی را اختیار کرده‌اند. برای هر مفهوم جدید و پدیده نو، لغتی از عرف عام به مناسبتی برگزیده می‌شود و با بار معنایی تازه‌ای در عرف خاص آن دانش به کار می‌رود. بررسی این سیر معنایی واژه‌ها و دگرگونی جهت، نشان‌دهنده گسترش معلومات، آگاهی‌ها و دانش مردم در هر دوره‌ای است. با ثبت یک واژه، اولین قدم در انتزاعی ساختن مفهوم آن برداشته می‌شود. اندیشمندان هر حوزه در قالب مفاهیم انتزاعی می‌اندیشند و از این دریچه به دنیای اطراف می‌نگرند. دایرة‌المعارف‌ها به عنوان دایرة دانش می‌توانند برای مقایسه مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقات و زیرطبقات اجتماعی در طول زمان مورد مطالعه قرار گیرند. این منابع نشان می‌دهند که تصورات عامه جامعه و یا به طور اخص کودکان چگونه شکل گرفته یا اصلاح شده است. به نظر ستوده مطالعه مفاتیح‌العلوم خوارزمی که در نیمه دوم قرن چهارم هجری تألیف شده است آگاهی‌های شده است آگاهی‌های سودمند و کمیابی درباره علوم گوناگون در اختیار خواننده می‌گذارد، اما بزرگ‌ترین ارزش آن در کمکی است که به شناخت زبان در قرن چهارم می‌کند. این کتاب علاوه بر این که حاوی انبوهی از واژه‌های تازی است واژه‌های فارسی، یونانی، لاتین، هندی، خوارزمی، ترکی و جز آن را نیز شامل می‌شود. به کمک این واژه‌ها نکات قابل توجهی را می‌توان دریافت، مثلاً کدام دانش یا دانش‌ها در نزد کدام قوم بیشتر رونق داشته و در کجا ناشناخته بوده است.

در مطالعه منابع مرجع هر دوره، نخست باید آشنایی مقدماتی با محیط فکری، سیر افکار و عقاید و علوم آن دوره را به دست آورد، و وضع سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی آن دوره را تا حد لزوم مورد مطالعه قرار داد. مقاله جان دیلن^۱، کتاب‌های مرجع عصر رنسانس، تأثیر آنها و بازتاب دانش باستان بر آن دوره را بررسی می‌کند. نکته مهم این است که در بررسی متون اندیشمندان عصر رنسانس، باید منابع مورد استفاده آنان ارزیابی شود. در غیر این صورت از زاویه دید خودمان به آنها نظر می‌افکنیم و چه بسا دیدگاه‌های تحریف شده خودمان را در میان متون کهن متجلی بینیم (۱۳: ۴۳۷-۴۵۰).

اف. سی. بارتلت از محققان پیش‌کسوت در زمینه حافظه، خاطر نشان می‌کند که وظیفه مهم حافظه، دوباره‌سازی یا سازماندهی اطلاعات براساس تصورات اولیه و عقاید شخصی است، درباره آنچه باید حقیقت داشته باشد. بارتلت در تحقیقات خود دریافت که "گرایش افراد به تفسیر اطلاعات براساس دانش و مفاهیم قبلی، بر یادآوری مطالب اثر می‌گذارد" (۸: ۲۴). بنا به تعبیر سروش هر فرد خیاطی درونی دارد که بر اندام پدیده‌ها، جامه‌ای از تفسیر می‌پوشاند و آنگاه این موجود جامه بر تن کرده است که به سرای ذهن وارد می‌شود. دو فرد یک جامه را می‌بینند و همان یک چیز برایشان دو چیز جلوه می‌کند. یکی آن را به یمن معدلت سلطان در رفاه و تنعم می‌یابد و دیگری آن را حلقه‌ای از حلقه‌های منازعات تاریخی طبقاتی می‌بیند. یکی آن را در اوج شکوفایی می‌بیند و دیگری نقطه زوالش را مشاهده می‌کند. یکی در آن امکان رشد ابزار تولید را می‌خواند و دیگری میزان پاسخ آن را به هجوم تمدن مهاجم جست‌وجو می‌کند. همه یک چیز را می‌بینند اما هر فرد چیز ویژه‌ای را در آن می‌خواند (۶: ۱۱۴).

منابعی مانند کتاب‌های سال و سالنامه‌ها، فرد را قادر می‌سازند تا به بازسازی حوادث و رخداد‌های گذشته از دید گردآورندگان آنها بپردازد. جست‌وجوی

همچنین برخی منابع دیگر می‌توان به چنین مطالعاتی دست زد. شیوه‌های مطالعات استنادی، بر تحلیل ارجاعات منابع برگزیده و استنادات به متون در طول زمان تأکید دارد. اطلاعات کتابشناختی در آثار مرجع مانند دایرةالمعارف‌ها، می‌تواند از نظر میزان افت و خیزها بررسی شود؛ در حالی که اطلاعات کتابشناختی و ارجاعات، در مجلات نقد و بررسی می‌توانند برای اندازه‌گیری توزیع نسبی متون یک رشته خاص استفاده شوند.

پائو اظهار می‌دارد بیشتر تحقیقات کتابسنجی بر مبنای پیشینه‌های گرد آمده در فواصل زمانی معین انجام شده است. مثلاً پراکندگی مقاله‌های گرد آمده در طی ده سال درباره موضوعی خاص در مجله‌ها، انگاره منظمی از متون موضوعی در مدت زمانی ثابت را نشان می‌دهد. همین مسئله درباب باروری پدیدآورندگان در مدت صد سال صدق می‌کند. فعالیت‌های انجام شده در مقطعی از زمان، چنان تحلیل می‌شود که گویی با میکروسکپ مشاهده شده است. ضرورتاً این بررسی‌ها گذشته‌نگر است. با مطالعه داده‌های گذشته‌نگر و با توجه به آمار، فعالیت‌های آتی پیش‌بینی می‌شود. این گونه مطالعات "بررسی‌های همزمان" نام دارند. مطالعات زیادی درباره سرشت پویای متون موضوعی دوره‌ای معین انجام شده است و پژوهشگران، انواع خاص انتشارات را در دوره‌ای زمانی درباب پیشرفت آنها و بهره‌مندی پدیدآورندگان از آنها انجام داده‌اند (۷۰:۱).

مطالعه منابع مرجع هم عصر به روشنی جوامع، دوره‌ها و حتی گروه‌های اجتماعی درون یک جامعه را از یکدیگر متمایز می‌کند. همان‌طور که کرسستی^۱ خاطر نشان کرده است ابزارهای کتابشناختی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی خاص یک رشته تهیه می‌شوند. ماهیت آن (انواع منابع تحت پوشش) بازتابی

مقایسه اطلاعات کتابشناختی منابع مرجع بر مبنای زمان نگارش، تداوم و تکامل اندیشه‌ها را مشخص می‌کند. در جوامع امروزی مسئله تغییر اجتماعی و فرایند پیدایش، عمل و اجرا، گسترش و اشاعه، و پذیرش این تغییر کانون توجه عده‌ای از محققان و نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف شده است به گونه‌ای که رشته "مطالعه نوآوری‌ها و ابداعات" را پدید آورده است.

از طریق چنین مطالعاتی می‌توان فهمید که به‌طور مثال فلسفه، موسیقی، منطق، داروسازی، اندازه‌گیری، امور لشکری، ستاره‌شناسی، مکانیک (علم حیل)، کیمیا در ابتدا نزد یونانیان شناخته شده بود؛ ستاره‌شناسی، موسیقی، مکانیک، امور دولتی و دیوانی، پزشکی و داروسازی نزد ایرانیان؛ و علوم دینی (اسلامی)، ادبی و مانند اینها در انحصار اعراب بوده است (۳۲۸:۵).

مقایسه اطلاعات کتابشناختی منابع مرجع بر مبنای زمان نگارش، تداوم و تکامل اندیشه‌ها را مشخص می‌کند. در جوامع امروزی مسئله تغییر اجتماعی و فرایند پیدایش، عمل و اجرا، گسترش و اشاعه، و پذیرش این تغییر کانون توجه عده‌ای از محققان و نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف شده است به گونه‌ای که رشته "مطالعه نوآوری‌ها و ابداعات" را پدید آورده است. در واقع، تحقیق در امر اشاعه ابداعات، نوعی پژوهش ارتباطی است که می‌توان آن را در مکتب‌های اروپایی مردم‌شناسی ردیابی کرد. پیروان این مکتب‌ها معتقدند تمام تغییرات یک جامعه از ورود ابداعات و نوآوری‌های جوامع دیگر سرچشمه می‌گیرد. با استفاده از نمایه‌نامه‌های استنادی یا نمایه‌نامه‌های رایج و

مجاور مانند هندوستان و ترکیه - که زبان فارسی زبان رسمی و درباری یا زبان ادبی مملکت آنان بود - احتیاج به تدوین فرهنگ فارسی را احساس کنند و به تألیف لغت‌نامه همت گمارند، در حالی که ایرانیان بیشتر به

صاحب‌نظران، برنامه آموزش عمومی مطلوب را، برنامه‌ای می‌دانند که در آن دانشجو بتواند با استفاده از اطلاعات اساسی و تحلیل انتقادی به خلق دانش راهنمایی شود. بنابراین دانش نه واقعیات محض و نه اطلاعات صرف است، بلکه حالتی از درک و فهم است که از پیوند مطلوب واقعیات با یکدیگر در درون چارچوب یا بستری وسیع‌تر حاصل می‌شود.

تدوین قاموس‌های زبان عربی به عنوان زبان دینی خود اقدام کردند (۱۳۳:۹).

ریموند مکینز^۱ و تلما فریدز^۲ صراحتاً بر ضرورت آموزش منابع مرجع در پیوند با محتوای موضوعی رشته‌های مربوط تأکید کرده‌اند. در آثار آنان این اندیشه به‌طور ضمنی مشهود است که منابع مرجع نقشی فراتر از ارائه صرف اطلاعات کتابشناختی و اساسی دارند و آنها خود می‌توانند از دیدگاهی خاص مورد مطالعه قرار گیرند. مکینز عقیده دارد: "با توصیف منابع مرجع هم‌عصر به منزله ضرورت‌های کارکردی و ساختارهای مصنوعی طراحی شده به‌منظور سازماندهی متون علمی در نظامی منسجم و منطقی، کارکرد آگاهی بخشی آنها آشکارتر می‌شود. فریدز اظهار می‌دارد منابع

از میزان رشد به‌دست آمده در آن رشته است. بنابراین با توجه به منابع کتابشناختی می‌توان سطح هر رشته، حوزه یا حوزه‌های فرعی مربوط به آن را تعیین کرد. بر این اساس ابزارهای کتابشناختی هر رشته‌ای تاریخچه‌ای دارد که خود تاریخ آن رشته را بازنمایی می‌کند (۲۰:۱۴-۲۱). به اعتقاد اشنایدر کتابشناسی‌ها با فهرست کردن مواد مکتوب علوم مختلف، مطالعات تاریخی و آماری محققان در هر رشته علمی را ممکن می‌سازند و نیز بنیاد تحقیقات بعدی را پی‌ریزی می‌کنند. از سوی دیگر، علوم نیز به نوبه خود مواد تازه‌تری برای کتابشناسی‌ها فراهم می‌آورند (۴: ۱۹۹).

در توسعه این رویکرد می‌توان منابع کتابشناختی را در سیر تاریخی آنها مطالعه کرد. لازم به ذکر است که برخی ابزارهای کتابشناختی توسط انجمن‌های تخصصی و برخی دیگر با هدف تجاری تولید می‌شوند که با راه‌یافتن به کتابخانه‌ها حمایت مادی می‌شوند. انتشار چکیده‌نامه علوم اجتماعی در سال ۱۹۲۸ از سوی انجمن تحقیقات علوم اجتماعی و توقف انتشار آن در سال ۱۹۳۲ نشان‌دهنده شروع نوعی فعالیت تحقیقاتی در برهه‌ای از زمان و عدم استقبال از آن در همان ایام است. همچنین، گسترش ابزاری مانند نمایه‌نامه استنادی علوم اجتماعی که مرزهای سنتی این رشته را در نوردید، مبین این نکته است که صاحب‌نظران اکثر رشته‌های علوم اجتماعی به متونی غیر از رشته تخصصی‌شان استناد می‌کنند. در مطالعه تاریخی لغت‌نامه‌های فارسی درمی‌یابیم که ایرانیان تا سده پنجم هجری توجه زیادی به تهیه و تدوین لغت‌نامه نمی‌کردند. از قریب ۲۵۰ فرهنگ فارسی به فارسی یا فارسی به زبان‌های دیگر که در دست است، فقط حدود ۴۰ فرهنگ (یعنی یک ششم آنها) به‌دست ایرانیان نوشته شده است، البته ایرانیانی که در هندوستان به تألیف فرهنگ فارسی اقدام کرده‌اند نیز در این آمار به‌شمار آمده است! عدم توجه ایرانیان به تألیف و تدوین لغت‌نامه‌های فارسی، سبب شد دانشمندان ملل

1. Raymond McInnis

2. Thelma Freides

ندارند، بلکه فقط در پیشینهٔ مکتوب و اذهان بشر قابل بررسی و مطالعه هستند، اما این منابع نمی‌توانند به صراحت با ما از گذشته و حال سخن بگویند باید ابتدا نکته‌ای از میان آنها استخراج شود تا بعد در درون بافت مربوط مطالعه شود.

شرکت در فرایند اجتماعی و سیاسی به معنای قادر شدن افراد به رمزگشایی واقعیات اجتماعی از شکلی است که دیگران رمزگذاری کرده‌اند و همچنین رمزگذاری واقعیاتی است که خود تجربه کرده‌اند. بررسی منابع به این شیوه، یعنی پیوند اندیشه‌ها به مجموعهٔ اجتماعی - تاریخی متعلق بدان، مستلزم جست‌وجو برای تبیین بنیادی ماهیت آنها به شیوه‌ای انتقادی و عینی است. فراگیران در نهایت به این باور می‌رسند که ورای این منابع فرضیات و تصوراتی وجود دارد که چه بسا اعتبار آنها جای تردید و پرسش داشته باشد و ممکن است در طول زمان منسوخ شده و یا در شرایط فعلی عجیب به نظر برسند. آنها ممکن است به این نتیجه سوق داده شوند که "دانش در مفهوم عام آن متن تا حدودی وابسته و تحت کنترل عوامل اجتماعی است" و تنها از طریق نهادهای مناسب مانند دانشگاه‌ها، دولت‌ها، تشکل‌های مذهبی یا جوامع پژوهشی می‌تواند مشروعیت یابد.

به‌طور خلاصه جامعه‌شناسی علم به ما می‌آموزد که دانش بر محور اجتماع بنا می‌شود. نیازهای اجتماعی

دانش قدرت است. قدرت از مالکیت و کنترل دانش سرچشمه می‌گیرد، دانش تعیین می‌کند که چگونه با یکدیگر در تعامل باشیم و چگونه خود را با محیط سازگار سازیم.

کتابشناختی تفسیر و تأویل گردآورندگان آنها را منعکس می‌سازد و براساس سرعنوان‌های موضوعی، یادداشت‌های توضیحی یا احتمالاً تفسیرهای کوتاه مقدماتی، میزان ارببی موضوع را می‌سنجد.

افزون بر این، دیدگاه‌های الیزابت فریک^۱ قابل تأمل است. وی عقیده دارد آموزش کتابخانه‌ای می‌تواند به بهترین وجه فرایند آموزش را پر بار سازد، در صورتی که کتابدار بتواند بین مهارت‌های کتابشناختی و آگاهی از کارکردهای اطلاعات در جامعه پیوند برقرار کند. وی مشخصاً بر این نکته تأکید می‌کند که ساختار منابع مرجع، هم مجراهای اطلاعاتی مشخصی را می‌گشاید و هم می‌بندد. آموزش منابع کتابشناختی می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا از طریق شناخت تولیدکنندگان و انتشاردهندگان اطلاعات و سازمان‌دهندگان و نیز چگونگی نظام توزیع و طبقه‌بندی آن بتوانند به ارزش‌ها و محدودیت‌های آن اطلاعات پی ببرند.

صاحب‌نظران، برنامهٔ آموزش عمومی مطلوب را، برنامه‌ای می‌دانند که در آن دانشجو بتواند با استفاده از اطلاعات اساسی و تحلیل انتقادی به خلق دانش راهنمایی شود. بنابراین دانش نه واقعیات محض و نه اطلاعات صرف است، بلکه حالتی از درک و فهم است که از پیوند مطلوب واقعیات با یکدیگر در درون چارچوب یا بستری وسیع‌تر حاصل می‌شود. مطالعهٔ منابع کتابشناختی و مرجع به عنوان پدیده‌هایی برای تحلیل جامعه‌شناختی و تاریخی - اجتماعی مستلزم آگاهی از تاریخ و سنت‌های فرهنگی و فکری و به‌کارگیری مهارت‌های تحلیلی است. این مطالعه نوعی ممارست در سواد فرهنگی است.

در صورتی که این منابع با چنین نگرش عمیقی مورد بررسی قرار گیرند، مشخص می‌شود که دخل و تصرف هدفمند پیشینه‌ها ارزشی کمتر از تغییر الگوها، ادراکات و روش‌ها ندارد. چنین تحلیلی دانشجویان را برمی‌انگیزد تا اظهار نظر قاطعانه و کاملاً حقیقی جورج ارول را بپذیرند که "رویدادهای گذشته عینیت خارجی

کند، آینده بشر را دگرگون خواهد کرد. در آغاز گروه‌های انسانی به ناچار خاطرات مشترک خود را در همان جایی ذخیره می‌کردند که خاطرات شخصی را یعنی در مغزهای افراد. بدین ترتیب حجم حافظه اجتماعی بسیار محدود بود. تمدن موج دوم محدودیت حافظه را از میان برداشت. این تمدن سواد را همگانی ساخت، سابقه مربوط به امور اقتصادی را به‌طور منظم حفظ کرد و هزاران کتابخانه و موزه برپا داشت، نظام بایگانی را ابداع کرد و به‌طور خلاصه، حافظه اجتماعی را از مغزها به بیرون انتقال داد و شیوه‌های جدیدی برای انباشت آن پیدا کرد و در نتیجه آن‌را به فراتر از مرزهای قبلی گسترش داد. با افزایش انباشت دانش، فرآیند نوآوری و تحول اجتماعی تسریع شد و تمدن موج دوم را به‌صورت متحول‌ترین و توسعه یافته‌ترین فرهنگی که تا آن زمان بشر می‌شناخت، در آورد (۲: ۲۴۴).

توسعه علمی امری بریده از معنا و به‌دور از تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیست. علم محصول کارگروهی و جمعی است، لذا توسعه علمی را نباید امری انتزاعی و ذهنی فرض کرد. تولید و توزیع علم نمی‌تواند از مناسبات عادلانه و آزاد انسانی و اجتماعی مستقل باشد. منابع مرجع در حقیقت، بخشی از تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک عصر است. براین اساس مطالعه منابع کتابشناختی و مرجع نمی‌تواند از ملاحظات سیاسی و اجتماعی جدا باشد. آنتونیو گرامسی^۱ بر این باور است که جوامع نه تنها به‌وسیله قدرت قهری، بلکه از طریق ارزش‌های متداول یا "سلطه ایدئولوژیکی" دولت‌ها قوام می‌یابند. ریموند ویلیامز به‌طور مجمل از اندیشه گرامسی درباره جوامع سرمایه‌داری نتیجه می‌گیرد که استیلای عقیدتی، نظامی مسلط و اثربخش از مفاهیم و ارزش‌هایی است که نه تنها انتزاعی نیستند، بلکه زنده و سازمان یافته هستند. از نظر او جامعه چنان مملو از این مفاهیم و ارزش‌ها می‌شود که "بنیان و محدودیت‌های معرفت

تعیین می‌کنند چه چیزی ارزشمند است و نیاز به مطالعه دارد. در حوزه دانش غیرعلمی نیز اجتماع، خاستگاه و محتوای دانش را کنترل می‌کند، به‌طوری که صاحب‌نظران عقیده دارند "تمایلات برخاسته از جو اجتماعی شخص را وامی‌دارد تا در حوزه علم، چشم‌هایش را باز کند و ببیند، و در حوزه مطالعات فرهنگی، چشم‌هایش را باز کند و تصمیم بگیرد که چه چیزی را باید ببیند" (۱۱: ۴۲۸).

دانش قدرت است. قدرت از مالکیت و کنترل دانش سرچشمه می‌گیرد، دانش تعیین می‌کند که چگونه با یکدیگر در تعامل باشیم و چگونه خود را با محیط سازگار سازیم. منابع مرجع در واقع حافظه کتبی جهت‌گیری‌های انسان است. از نظر آلون تافلر حافظه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: حافظه صرفاً شخصی یا خصوصی و حافظه مشترک اجتماعی. حافظه‌های غیرمشترک خصوصی با مرگ شخص می‌میرند، اما حافظه اجتماعی جاودانه به زندگی ادامه می‌دهد. توانایی حیرت‌انگیز ما در بایگانی و فراخواندن حافظه‌های مشترک راز موفقیت تکامل نوع بشر است، در نتیجه هر چیز که بتواند تغییرات عمده‌ای در شیوه ساخت، انباشت یا استفاده از حافظه اجتماعی ایجاد

منابع مرجع در حقیقت، بخشی از تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک عصر است. بر این اساس مطالعه منابع کتابشناختی و مرجع نمی‌تواند از ملاحظات سیاسی و اجتماعی جدا باشد. آنتونیو گرامسی بر این باور است که جوامع نه تنها به‌وسیله قدرت قهری، بلکه از طریق ارزش‌های متداول یا "سلطه ایدئولوژیکی" دولت‌ها قوام می‌یابند.

نظر مک کارمیک^۱ به طور موجز عبارتند از: تشخیص مسئله اصلی؛ تعیین فرضیات اساسی، ارزیابی شواهد؛ ارزیابی منابع، افراد و انتشارات؛ تشخیص جهت‌گیری‌ها، دست‌آویزهای عاطفی، حقایق مرتبط، تبلیغات، کلیات و مشکلات زبانی. طرح این پرسش که آیا واقعیات، نتایج را تأیید می‌کند، سؤالاتی درباره کفایت داده‌ها، تشخیص رابطه میان اندیشه‌ها، درک نگرش‌های پژوهشگر و مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال پی‌جویی کامل شواهد و اسناد را به دنبال دارد. علاوه بر اینها قوه تصور از دیگر ملزومات تفکر انتقادی است (۱۵:۳۳۹-۳۴۲).

در نهایت نباید نقش اقتصاد را در انتشار کتاب مرجع از نظر دور داشت. دستنامه‌ها اولین کتاب‌هایی بودند که به طور انبوه تولید شدند: اقتصاد نشر کتاب مرجع (چه کتابی پر فروش است؟ چه کسی هزینه آن را تقبل می‌کند؟ چه کسی آنرا می‌خرد و ضمانت مالی آنرا عهده‌دار می‌شود؟) نیازمند توجه بیشتر است. همه اینها در پیوند با پیامدهای بعدی است. صرف نظر از ویژگی‌های اختصاصی، انواع کتاب‌های عمومی مرجع - دستنامه‌های عمومی در هر زمینه‌ای از مسائل جنسی گرفته تا تعمیر ماشین و نحوه آداب معاشرت - نمی‌توانند کمکی بکنند، اما به هر صورت درباره فرهنگ جامعه، اطلاعاتی عرضه می‌کنند.

اگر چه کتابداران اغلب از کمی استفاده از منابع مرجع و کتابشناختی گلایه دارند، اما این منابع از نظر اهمیت فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای دارند. به‌رحال این منابع اعم از اینکه نمایه‌نامه‌های ویلسون^۲ باشند و یا تلاش‌های محققانه‌ای همچون دایرة‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، بازتاب و شکل‌دهنده واقعیات اجتماعی هستند. هنگامی که دیدگاه یا حقیقتی در قالب عبارت‌های کتاب مرجع متجلی می‌شود در واقع نشانی از اعتبار آنهاست. البته واقعیات نگاشته شده لزوماً حقیقت نیستند، ولی اغلب افراد نوشته و حقیقت را

عمومی آحاد جامعه را شکل می‌بخشد (۱۲:۱۰۹-۱۱۲). هلمبرگ می‌گوید: "ای کاش می‌توانستم نشان بدهم که آثار [فکری] "درجات ادراک" را منعکس می‌کنند و معمولاً فرایند شناخت و ادراک از تجربه‌ای واقعی و محسوس شروع می‌شود و تا در برگرفتن الگوهای جامع‌تر فکر و احساس که در ابعاد اجتماعی، فلسفی و فرهنگی ما منعکس شده، توسعه می‌یابد" (۸:۲۶).

در هر حال، واضح است که در هر جامعه نگرش‌های فرهنگی متفاوتی پدیدار می‌شوند؛ سلطه‌جویی‌های متقابل به‌طور مستمر صورت می‌گیرد و تعامل میان دیدگاه‌های معرفت عمومی مرزهای متنوعی از واقعیت را ترسیم می‌کند. گروه‌های مقتدری این واقعیات را شکل می‌بخشند که از آن جمله: والدین، وعاظ، معلمان، روزنامه‌نگاران، ادبا، خبرگان مختلف، مبلغان، واضعان سرگرمی‌ها، موسیقیدان‌های مشهور، چهره‌های ورزشی و شخصیت‌های نامدار همه کسانی هستند که (ولو نادانسته) در شکل‌دهی ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه نقش دارند اما نهایتاً یک نگرش فرهنگی حاکم می‌شود، گرچه حائل میان فرهنگ حاکم و فرهنگ تابع خلل‌پذیر و برخوردار اندیشه‌ها همیشه پایدار است. فرهنگ در واقع محیطی است که فرد در آن ریشه دارد و امکان شکوفایی می‌یابد، البته چه بسا نیروی آفرینندگی او را نیز به‌طور جدی محدود کند. با مشاهده روند تاریخ درمی‌یابیم که چگونه در برخورد قومی با قوم دیگر فرهنگ آن دو با یکدیگر در آمیخته است. این رویه منحصراً براساس تبادل اطلاعات صورت گرفته است.

بی‌تردید بررسی این مسائل به تفکر انتقادی سطح بالا نیاز دارد. جان دیویی ماهیت و ذات تفکر انتقادی را "قضاوت معلق" یا "تردید سالم" تعریف می‌کند. او در بحث‌هایش بعضی از کیفیت‌های تفکر منطقی که می‌تواند تفکر انتقادی را توصیف کند، برمی‌شمارد. او تفکر منطقی را شامل بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند (۸:۱۵).

مترادف می‌انگارند. در واقع هر چه گستره جاودانگی یک واقعیت یا تفسیر، خواه درست یا غلط، بیشتر باشد میزان اطمینان ما به اعتبار آن بیشتر خواهد بود.

کتاب‌های مرجع از آغاز برای دانشگاه‌ها منابع بالارزشی بوده‌اند. کتاب‌های درسی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که در زنجیره فراگیری قرار گیرند و واسطه‌ای برای ارائه بهتر مهارت‌های معلم باشند، اما کتاب‌های مرجع مستقل هستند. آنها با دسترس‌پذیری همگانی دانش می‌توانند نقشی بنیادی ایفا کنند. به عنوان مثال کتاب‌های خودآموز لغت گاه در تقابل با عناصر محافظه‌کارانه زبان‌شناسی می‌توانند زبان را تغییر دهند. چاپ‌های اولیه کتاب‌های مرجع، متنی واحد را در معرض نقد چندگانه قرار می‌دهند و با ادامه انتشار آن در ویرایش‌های جدید و تصحیح شده، ارزیابی دانش را امکان‌پذیر می‌سازند. آنها تأثیری عمیق بر دنیای این گونه کتاب‌ها دارند.

نقش اجتماعی - فرهنگی منابع مرجع الکترونیکی

با ورود به عصر الکترونیک و جست‌وجوپذیر شدن بسیاری از منابع اصلی و فرعی به صورت پیوسته باید به نقش اجتماعی منابع مرجع بیش از پیش توجه کرد. با حاکمیت کامل منابع رایانه‌ای و پیوسته بر محیط اطلاعاتی، انقلابی کم‌تأثیرتر از انقلاب گوتنبرگی به وقوع نخواهد پیوست. تافلر عقیده دارد تا زمانی که حافظه اجتماعی در مغزهای افراد نگهداری می‌شد، به‌طور مداوم دچار فرسودگی، نوسازی، درهم ریختگی، ترکیب و تجدید می‌شد، در این حالت حافظه، فعال و متحرک بود و به معنای واقعی زنده. تمدن صنعتی با انتقال قسمت اعظم حافظه اجتماعی از مغزها به محیط خارج، به آن جنبه عینیت بخشید و آن را در مصنوعات، کتاب‌ها، تراز پرداخت‌ها، روزنامه‌ها، عکس‌ها و فیلم‌ها متجلی ساخت. به محض اینکه علامتی بر صفحه نقش بندد، تصویری روی فیلم ضبط شود یا نامه‌ای چاپ شود، دیگر متحرک نخواهد بود بلکه غیرفعال و ایستا

می‌شود. فقط آن‌گاه که این علائم و نمادها به داخل مغز بشر بازگردد، دوباره جان می‌گیرد، دستکاری و یا از نو ترکیب می‌شود. تمدن موج دوم هر چند که حافظه اجتماعی را گسترش زیادی بخشید ولی آن را دچار انجماد کرد. چیزی که جهش به سپهر اطلاعاتی موج سوم را از نظر تاریخی هیجان‌انگیز کرده است، نه تنها گسترش وسیع حافظه اجتماعی است، بلکه جان بخشیدن دوباره به حافظه مرده اجتماعی است. رایانه به‌علت توانایی انباشت داده‌ها، وضعیت‌ی ایجاد کرده است که قبلاً در تاریخ سابقه نداشت: حافظه اجتماعی را هم گسترش داد و هم زنده و متحرک کرد و همین ترکیب است که رایانه را به نیروی محرکه تمدن نو تبدیل کرده است. دگرگون ساختن عمقی سپهر اطلاعاتی باعث می‌شود که مغزها نیز دچار تحول و دگرگونی شوند، یعنی شیوه‌های اندیشه و تفکر درباره مسائل، شیوه ترکیب اطلاعات و شیوه پیش‌بینی نتایج اعمال هم متحول خواهد شد (۲: ۲۴۵).

به دلیل توانمندی‌های موجود در حذف و اضافه آنی داده‌های رایانه‌ای، خطر تعصب و تحریف نیز بسیار زیاد است، بنابراین نتیجه طبیعی این است که مردم ویژگی‌های خود مانند تصورات، پیشداوری‌ها، تعصبات و کج‌اندیشی‌هایشان را وارد فرایند نوآوری کنند. به نظر بسیاری از صاحب‌نظران این وضعیت احساس بی‌اعتمادی را در جست‌وجوگران به وجود

کیفیت به عنوان یک هدف در
اطلاعات "وب" مستلزم یک
فرایند مستمر برنامه‌ریزی،
تحلیل، طراحی، اجرا و توسعه
است تا اطمینان حاصل شود که
اطلاعات موجود نیازهای
بهره‌وران را هم از نظر محتوی و
هم ابزار تعامل برآورده می‌سازد

مآخذ

۱. پاتو، میراندالی. مفاهیم بازیابی اطلاعات. ترجمه اسدالله آزاد و رحمت‌الله فتاحی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۸.
۲. تافلر، آلون. موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: سیمرغ، ۱۳۷۳.
۳. چودری، جی جی. پژوهشی درباره اینترنت و بازیابی اطلاعات. ترجمه مهدی خادمیان، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره سوم، ۳ (پاییز ۷۹): ۱۳۳-۱۶۲.
۴. حری، عباس. مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور ۱۳۷۲.
۵. ستوده، غلامرضا. مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۲.
۶. سروش، عبدالکریم. علم چیست، فلسفه چیست؟. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۹.
۷. کلاوس، هلگه. "کیفیت اطلاعات: عاملی در به‌کارگیری اینترنت در کتابخانه‌های پژوهشی": ترجمه فاطمه فهیم‌نیا. در فراگام‌هایی در اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی اطلاع‌رسانی پیوسته (۷-۵ دسامبر ۱۹۹۵ لندن). تهران: مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات علمی جهاد سازندگی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳-۱۱۸.
۸. مایرز، جت. آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۹. مرادی، نورالله. مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲.
10. Bry. Ilse. "Information storage and retrieval: Bibliographic issues in the Behavioral Sciences". In *International Encyclopedia of the social sciences*. Edited by David L. Sills. New York: Macmillan, 1974, P.11
11. Coster. lester. "sociology of Knowledge". *International Encyclopedia of the social sciences*, 1984. P.428
12. D'Aniello, Charles A.A "Sociobibliographical and Sociohistorical Approach to the Study of Bibliographic and Reference Sources". In *Conceptual Frameworks for Bibliographic Education, Theory into Paractice*. Edited by Mary Reichel and Mary Ann Ramey. Clorado: library Unlimited, 1987. PP. 109-112.

می‌آورد. با آن‌که استفاده از اینترنت برای بهبود کیفیت خدمات مرجع گسترش یافته، اما مهم‌ترین سؤال درباره کیفیت اطلاعاتی است. بنا به گفته کلاوسن بسیاری از اسنادی که برای عموم در شبکه اینترنت نشر می‌یابد قبلاً هیچ‌کس دیگری جز نویسنده نخوانده است و این طبیعت توزیع الکترونیکی با هزینه اندک است. از نظر او بدون یک نظام داوری، کیفیت یا انسجام داده‌های بازیابی شده هیچ ضمانتی ندارد. کیفیت به عنوان یک هدف در اطلاعات "وب" مستلزم یک فرایند مستمر برنامه‌ریزی، تحلیل، طراحی، اجرا و توسعه است تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات موجود نیازهای بهره‌وران را هم از نظر محتوی و هم ابزار تعامل برآورده می‌سازد (۷: ۱۰۳-۱۱۸). چودری نیز معتقد است: "محققان به هنگام استفاده از اینترنت، همه اطلاعات موجود در آن را نمی‌توانند معتبر فرض کنند. اطلاعات وارد شده به "وب" لزوماً از فرایند کنترل دقیقی عبور نمی‌کند، بنابراین فرد ممکن است به کیفیت متون اطمینان نداشته باشد. اینترنت احتمال دارد نظرات شخصی و حتی گاه مسائل بحث‌انگیز را دربرگیرد" (۳: ۱۳۳-۱۶۲). مهم‌تر از این گنجاندن داده‌ها درون پایگاه اطلاعاتی گویای مشروعیت آن خواهد بود. سادگی دسترسی نیز استفاده را تضمین خواهد کرد، لذا بسیاری از جست‌وجوگران در تکاپوی یافتن منابعی بیشتر نخواهند بود. بنابراین با توجه به نقش سنتی کتابدار مرجع، با پایگاه‌های اطلاعاتی نیز باید مانند دیگر منابع مرجع رفتار کرد و پیش از هرگونه اقدامی آن را ارزیابی کرد. به‌هر حال به‌طور مؤکد باید یادآور شد که منابع مرجع بسیار ارزشمند هستند و به‌راستی مخلوق زمان آفرینششان و تجلی‌بخش ارزش‌ها، نگرش‌ها و تفکرات و به‌طور کلی هویت عصر خود هستند.

تاریخ دریافت: ۸۰/۵/۲۸

- Theoretical Implications for Bibliographic Instruction". In *theories of Bibliographic Education: Designs for Teaching*, edited by Cerise Oberman; Katina Strauch, NewYork: R.R. Bowker, 1982, PP. 20-21.
15. Mc Cormik, Mona. "Critical Thinking and Library Instruction". R.A, 22 (Summer 1983): 339-342.
13. Dillon, John B. "Renaissance Reference Books as Sources for Classical Myth and Geography: A Brief Survey, With an Illustration from Milton". In *Acta conventus Meolation Bononiensis*, edited by R.J. Schoeck, NewYork: Center for Medieval and Renaissance studies. 1985, 437-450.
14. Kertesztes, Michael. "The Science of Bibliography: